

قدرت علم

دکتر غلامعلی افروز

برای مسلمانان محدودیت و مرزی را قائل
نبوده‌اند.^۱

بدیهی است که علم بی‌عمل و عمل بی‌اخلاص نمی‌تواند ارزشمند باشد. و نیز پر واضح است که علم بی‌هدف و جهت، علمی که انسان را در حیات دنیوی و اخروی هادی نباشد و بر توحیدش نیفزاید، ثمر چندانی به همراه نخواهد داشت. به فرموده امام راحل (ره) علمی که در آن تهذیب نباشد، فاقد ارزش است و سرانجام علمی که خداترسی و تقوا را بیشتر نکند،^۲ خود حجابی بیش نیست.

در این مقال هدف اصلی صرفاً تشریح ارزش، اهمیت و جایگاه علم و عالم در اسلام و ویژگیهای علم مطلوب و عالم ربّانی نیست، بلکه مراد نگارنده این سطور توجه به نقش و

بدون تردید اسلام به عنوان عالی‌ترین و کامل‌ترین مکتب تربیتی و احیای وجود انسانها، و قرآن به مثابه برترین و جامع‌ترین کتاب زندگی بر فراز همه عصرها و نسلها، بیشترین تأکید را بر تأمل و تعقل، رشد و تحول ذهنی و تفکر در هستی داشته است. در اندیشه اسلامی و آیات قرآنی علم و عالم از رفیع‌ترین جایگاه برخوردار است و پیامبر خاتم حضرت محمد صلی‌الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السّلام بیشترین تأکید و ترغیب را برای مسلح شدن امت و پیروان خود به علوم مختلف داشته و در فراگرفتن اندوخته‌های علمی و دانشهای جدید

قدرت دانش و یافته‌های تازه علمی در میان مسلمانان و جوامع اسلامی است؛ چرا که در این رهگذر بیگانگان در عمل به قرآن پیشی گرفته و گوی سبقت را در زمینه تکنولوژی برتر از مسلمین ربوده‌اند.^۳

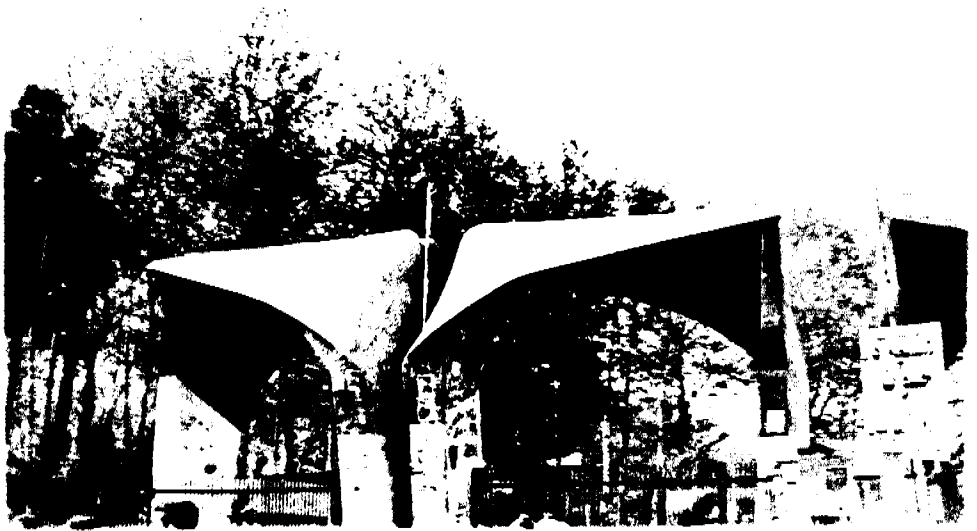
اگر هر یک از ما، استادان حوزه و دانشگاه، اولیاء و مربیان، دانشجویان و دانش‌آموزان بخواهیم در یک کنفرانس بین‌المللی درباره ارزش و اهمیت علم و عالم سخن بگویم، بطور قطع و یقین، به لحاظ غنای مبانی مکتبی موضوع، عموماً بهتر و بیشتر از دیگران حرف می‌زنیم، ولی در عرصه علمی و تحقیقاتی و پژوهش‌های مستمر کمتر اندیشه و عمل می‌کنیم! لذا شایسته است به دور از تعصبات و توجیه‌گریها، بادلای پاک و نیتی خالص و با آرزوی حاکمیت هر چه بیشتر ارزشهای والای اسلامی در سراسر گیتی و تلاش برای افزونی عزت مسلمین، به جایگاه عملی علم و دانش نو در جوامع اسلامی و دیگر کشورها بیندیشیم و با اراده قوی و عزمی راسخ، با خود پنداری منطقی، خود باوری و نوباوری بکوشیم تا با حفظ همه ارزشها و آرمانهای الهی سر نخ علوم و فنون تازه را به دست گرفته، جوانان و اندیشمندان مسلمان و ملت و کشور آزاد و مستقل ایران اسلامی را از قدرت روز افزون علم برخوردار سازیم. اما باید اذعان داشت تا زمانی که اندیشه علمی بر اذهان، باورها و نگرشهای اقشار مختلف جامعه، همه اولیاء و مربیان و بلاخص کارگزاران، دولتمردان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت و برنامه‌ریزان آموزشهای پیش دانشگاهی و دانشگاهی حاکم نباشد، ما نخواهیم توانست با تدبیری معین، راه و جهتی روشن و برنامه‌ای مدون و مشخص به

قدرت علمی به معنای واقعی آن دست یابیم. تا زمانی که کشور به قدرت علمی دست نیابد و محققان و اندیشمندان سر حلقه زنجیره علوم و تکنولوژی پیشرفته رادر دست نداشته باشند و حلقه دیگری بر آن نیفزایند، همواره در غالب زمینه‌های علمی مورد نیاز جامعه، نظیر علوم پایه، مهندسی، مهندسی پزشکی، تجهیزات و تکنولوژی برتر نظامی، صنایع جدید خدماتی، مهندسی کشاورزی، پدیده‌های ارتباطی و ... نیازمند و مصرف‌کننده و یا عمدتاً از نظر علمی پیرو و موتاثرگر خواهند بود.

"تربیت" تنها مسیر تحصیل قدرت علمی

چندی پیش در یکی از مدارس و در جمع اولیاء و مربیان، مباحثی را درباره روشهای آموزش خلاق مطرح کردم و با ارائه دلایل متعدد و استدلال علمی بیان داشتم که در دنیای پیچیده امروز، حرف آخر را "تربیت" می‌زند. (در ابتدای سخن، از بیان اینکه تربیت حرف آخر را در جهان امروز می‌زند، آثار تعجب را در چهره بعضی از حاضران در مجلس مشاهده کردم).

ما بارها در محافل علمی و سیاسی، مباحث و مناظره‌های رادیویی و تلویزیونی و تحلیل‌ها و تفسیرهای مطبوعاتی شنیده و خوانده‌ایم که حرف نخست را در جوامع، اقتصاد (پول)، کشاورزی، صنعت و یا سیاست می‌زند و لذا می‌بایست در برنامه‌ریزی کلان کشور محور اصلی پیشرفت و تحول را مشخص کرد و سرمایه‌ها و نیروها را در آن جهت هدایت نمود. اما اگر بر این باور باشیم که جامعه سالم و مدینه



فکری و خلاقیت‌های ذهنی جمعی از انسانهای متفکر، اندیشمند، خلاق و نوآور است، و انسانها در سایه وجود زمینه‌های مطلوب تربیتی، پرورشی و هدایت خلاقیت‌های ذهنی می‌توانند فکری بکر و خلاق و نوآور داشته باشند. به دیگر سخن افراد متفکر و خلاق که توانسته‌اند در عرصه‌های علم، صنعت و تکنولوژی برتر مبدع و خلاق آثار نو و بدیع باشند و تحولی در روند حیات آدمیان ایجاد کنند، علاوه بر آن که از استعداد و هوش سرشار برخوردار بوده‌اند، از مناسب‌ترین بستر و مؤثرترین روش‌های تربیت ذهنی در خانه، مدرسه و جامعه نیز بهره گرفته‌اند. و اینک چنانچه می‌خواهیم نوجوانان و جوانان جامعه‌مان که عمدتاً از باهوش‌ترین افراد جهان هستند، با دو بال علم و تقوا، تعهد و تخصص، وجودشان به پرواز در آید و در اوج خود - شکوفایی استقرار یابند، اگر می‌خواهیم جوانان کشورمان با ایمان و تعهد و اخلاص و معرفت،

فاصله مستلزم وجود و حضور افراد مؤمن و متعهد، تقوا پیشه و مخلص، باگذشت و فداکار و پر تلاش و ایثارگر است، تردیدی نخواهیم داشت که اقتصاد، صنعت، کشاورزی و سیاست، وارستگان و الگوهای رفتاری مطلوب این جامعه را نمی‌سازد، بلکه متصف شدن افراد به صفات اخلاقی و ارزشهای قرآنی مستلزم "تربیت" اخلاقی و اجتماعی آنها بر اساس موازین و معیارهای متعالی الهی است. به عبارت دیگر هیچ جامعه‌ای متحول و متعالی نمی‌شود مگر اینکه تحولی در درون افراد آن جامعه ایجاد شود و این تحول به وجود نمی‌آید، مگر با تربیت اخلاقی و شناختی.^۴

حال اگر معتقد باشیم که رشد و ترقی و اعتلای هر جامعه در گرو پیشرفت در زمینه‌های صنعت، کشاورزی و اقتصاد نیز هست، بدون شک با یک تأمل و اندیشه منطقی به این نتیجه خواهیم رسید که پیشرفتهای چشمگیر صنعتی و تکنولوژیکی در جهان امروز مرهون تلاشهای

که از وجود اندیشه‌ها و مغزهای هوشمند و مبتکر بهره‌مند است. قدرت از آن کشوری است که صاحب اندیشه متعالی تربیتی است و قادر است به قابلیت‌ها و توانمندیهای هوشی جوانانش، این عظیم‌ترین سرمایه‌های هر کشور جامعه عمل ببوشاند و به فعلیت رساند. قدرت از آن کشوری است که مفهوم و ارزش علم و عالم را به واقع می‌داند و در عمل با تفکری علمی، از هیچ کوششی برای تربیت اخلاقی و ذهنی و پرورش خلاقیت‌های فکری نوجوانان و جوانانش دریغ نمی‌ورزد. امروز قدرت علمی در اختیار کسانی است که می‌دانند از چه نظام آموزشی و دانشگاهی باید برخوردار باشند و آگاهند که مدارس و دانشگاهها در هر کشوری چه رسالتی را برعهده دارند و یا باید داشته باشند.

گامهای اساسی در جهت حاکمیت اندیشه علمی و ظهور خلاقیتها

برای حاکمیت اندیشه علمی و اتخاذ مؤثرترین روشهای تربیت اخلاقی و ذهنی و پرورش استعدادهای درخشان و خلاقیت‌های فکری نوجوانان و جوانان، ابتدا می‌بایست در اذهان عمومی نگرشی مثبت، پویا و مولد نسبت به جایگاه علم و قدرت علمی در کشور به وجود آید. بدیهی است در ایجاد نگرش و باور مثبت در میان اقشار مختلف جامعه، به ویژه مدیران و برنامه‌ریزان کشور بیشترین مسؤلیت

در برابر تهاجمات و لجام‌گسیختگی‌های فرهنگی و بمباران تبلیغات مسموم شناختی و احساسی سردمداران تکنولوژی برتر مصون باشند و با نگرشی مثبت و مولد، انگیزه‌ای قوی و تلاشی خستگی‌ناپذیر و لذت بخش هوشمندی خودشان را در جهت خلاقیت‌های فکری و نوآوریهای علمی به کار گیرند، چاره‌ای جز برخورداری از "اندیشه تربیتی" به معنای دقیق آن نداریم. ما فقط با برنامه‌ریزی جامع تربیتی و بهره‌گیری از مؤثرترین روشهای آموزشی می‌توانیم در عرصه تربیت اخلاقی و ذهنی و از قوه به فعل رسانیدن خلاقیت‌های فکری جوانانمان گام برداریم.

اخلاق اجتماعی برتر، اقتصاد برتر، سیاست برتر، صنعت و تکنولوژی برتر و کشاورزی برتر که از شاخص‌های جامعه برتر در ابعاد و وجوه گوناگون است، فقط و فقط می‌تواند در سایه تربیت عالمان خلاق و نوآور و پدیدآورندگان شاخص‌های برتری فراهم آید. و سرانجام در یک کلام می‌توان چنین ادعا کرد که قدرت^۵ در دنیای امروز از آن کشوری نیست که انبارهایی از دلار دارد، قدرت از آن ملتی نیست که سرزمینی سرسبز و معادنی غنی دارد، قدرت از آن جامعه‌ای نیست که جدیدترین فرآورده‌های تکنولوژیکی دنیا را مصرف می‌کند، بلکه قدرت، از آن کشوری است که سر نخ علوم را در اختیار دارد و خالق بدیع‌ترین پدیده‌های علمی و صنعتی است، قدرت از آن ملتی است





پیش دانشگاهی و وظایف مشترک خانواده‌ها در این ارتباط می‌پردازیم.

دانشگاهها و قدرت علمی جامعه

شاید به جرأت بتوان ادعا کرد که همه اندیشه‌های تربیتی و تلاشهای فکری از خانه تا مدرسه برای بارور کردن ذهنهای سر آمد و خلاق، زمانی به معنای دقیق کلمه به ثمر می‌نشیند که جوانان متعهد و هوشمند همراه با استادان اندیشمند در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی حضور می‌یابند و مشغول تحقیق و تدریس می‌شوند. اما دانشگاههای ما به رغم سرمایه‌گذاری قابل توجه و امکانات تحقیقاتی مطلوب، همواره به دلایل گوناگون و تأثیر گذاری برخی از عوامل روانی - اجتماعی، آن گونه که بایسته و شایسته است در دستیابی به قدرت علمی و تولیدات تفکر واگراتوفیق چندانی نداشته است.

واقع امر این است که نقش و جایگاه دانشگاه به معنای دقیق کلمه برای همگان روشن نیست و هرکس به تناسب شرایط فردی و موقعیت شغلی و اجتماعی خود نسبت به نقش دانشگاه در جامعه اظهار نظر می‌کند. بیشتر خانواده‌ها دوست دارند که تعداد دانشگاهها و درصد پذیرش دانشجو به حدی باشد که فرزندانشان صرف نظر از سطح هوشی

بر عهده عالمان آگاه، متفکران دلسوخته حوزه و دانشگاه، صاحبان جراید و مسؤولان صدا و سیماست. آن گاه که در بین افشار گوناگون جامعه، بالاخص نسل جوان و طالب علم باز خورد و نگرشی مثبت و قوی و انگیزه‌ای غنی نسبت به علم و تلاش علمی به وجود آمد و مناسبترین بستر برای یک بسیج همگانی برای فتح قله‌های علمی و دست یابی به تکنولوژی برتر فراهم شد، خطرترین مسؤولیت در جهت هدایت و حمایت چنین بسیج علمی و نهضت فکری و تربیتی بر عهده رهبری و مدیریت کشور خواهد بود.

برای رسیدن به قدرت علمی و به دست گرفتن سر نخ کلاف پیچیده علم و سر حلقه ظریف زنجیره تکنولوژی برترناگزیر به سرمایه‌گذاری فکری و قبول تحولات جدی و بنیادین در نظام آموزشی و پرورشی کشور از کانون خانواده گرفته تا مراکز پیش دبستانی، دبستانی، دبیرستانی، دانشگاهی و مراکز تحقیقاتی هستیم. در اینجا سعی می‌شود در ارتباط با مسأله قدرت علمی و شناخت و پرورش خلاقیت‌های ذهنی جوانان و اندیشمندان، وظایف، مسؤولیتها و رسالت‌های دانشگاهها، مدارس، خانواده‌ها و مدیران جامعه اسلامی به اختصار تشریح گردد. ابتدا به نقش دانشگاهها اشاره می‌شود و سپس به رسالت دست‌اندرکاران و مربیان برنامه‌های

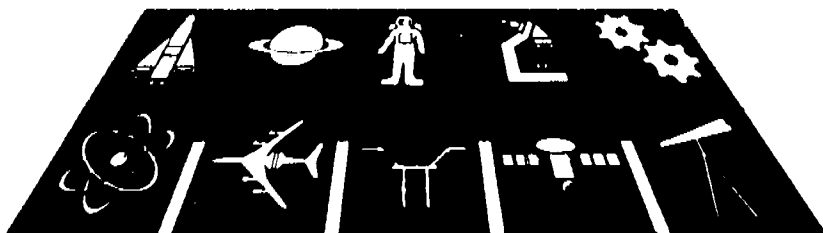
فرآورده‌های تکنولوژی، صنایع جدید خدماتی و پدیده‌های ارتباطی و نیل به کفایت‌های بیشتر شخصی، شغلی، حرفه‌ای و اجتماعی و همچنین ضرورت تجدید نظر در بخشی از اکتسابهای آموزشگاهی بعد از فراغت از دبیرستان، یکی از وظایف، فعالیت‌ها و مسؤولیت‌های مراکز آموزش عالی ارائه برنامه‌های عمومی در مقاطع مختلف تحصیلی (مدرکی) برای علاقه‌مندان و داوطلبان تحصیل و دانش‌افزایی عمومی است.

فرصت‌های لازم برای اشتغال به تحصیل حین خدمت و کسب اطلاعات تازه و به روز دانش شغلی و حرفه‌ای به توسط کارکنان بخش دولتی و خصوصی، آشنایی با زبانهای مختلف و تکنولوژی‌های کاربردی، مثل کامپیوتر و وسایل ارتباطی به توسط افراد شاغل و یا جویای کار، کسب دانش و مهارت‌های عمومی، در زمینه‌های گوناگون مثل: اقتصاد خانواده، فرزند آوری، کودکیاری، بهداشت محیط، روان‌شناسی و تعلیم و تربیت، پیشگیری از معلولیت‌های کودکان، روشهای مؤثر اصلاح رفتار و پرورش استعدادها و خلاقیت‌های کودکان و نوجوانان به توسط پدران و مادران، زوجین جوان و داوطلبان ازدواج نیز عموماً در این قبیل دانشگاهها فراهم می‌گردد.

ب) فعالیت عمده یا رسالت دیگر دانشگاهها و مراکز آموزش عالی را می‌توان در

خود و به صرف اینکه دبیرستان را تمام کرده، یا تمام خواهند کرد وارد دانشگاه بشوند و درسی بخوانند، مدرکی بگیرند و تخصصی پیدا کنند تا در آینده خود از موقعیت اجتماعی بهتری برخوردار شوند و به سهم خود پاسخگوی بخشی از نیازهای جامعه باشند. اکثر مدیران و کارگزاران اجرایی نیز دانشگاهها را مراکزی می‌دانند که وظیفه دارد نیاز آنها را به کارشناسان واجد شرایط برای چرخاندن وضع موجود دستگاهشان تأمین کند، و بعضی از دست اندرکاران مسائل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی هم صرف حضور هر چه بیشتر جوانان دیپلمه را در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی از نظر سیاسی- اجتماعی و دیدگاههای فرهنگی امری مطلوب دانسته، آن را فی نفسه مبارک می‌دانند. به طور کلی در دنیای امروز، بخصوص در کشورهایی که تجارب فراوانی از فعالیتهای مراکز دانشگاهی به شکل جدید داشته‌اند، دانشگاهها و مراکز آموزش عالی عموماً سه نقش و رسالت کلی بر عهده دارند.

الف) یکی از رسالت‌های دانشگاهها و مراکز آموزش عالی، دانش‌افزایی عمومی و بالابردن سطح اطلاعات و فرهنگ شهروندان است. با توجه به گستردگی و تنوع علوم و فنون مختلف، بخصوص ضرورت آشنایی همگان با دانشهای کاربردی، به ویژه در قلمرو تعلیم و تربیت، هنر و اقتصاد خانه و محل کار و استفاده بهینه از



انسانی دوره دیده و مورد نیاز کشور خلاصه می‌شود.

ج) اما سومین و یا به عبارتی اساسی‌ترین وظیفه مراکز دانشگاهی و مؤسسات تحقیقاتی همانا چالش علمی، انجام پژوهشهای بنیادی، دستیابی به سر رشته علوم و فنون پیشرفته و هدایت ازابه پیشتاز علم و صنعت و تکنولوژی است.

در بسیاری از کشورها به رغم تعدد و فراوانی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در سطوح مختلف، بیشترین اعتبار و منابع ملی و حمایت و پشتیبانی دولتی اختصاص به دانشگاههایی دارد که تحقیقات علمی به معنای اخص کلمه، محور اصلی فعالیت آنهاست.

بدیهی است که در ایسن دانشگاهها برنامه‌های آموزشی و تربیت محقق و هدایت دانشجویان متمهد، هوشمند و خلاق به نحو شایسته‌ای انجام می‌پذیرد و بالطبع درصدی از فارغ التحصیلان این دانشگاهها به عنوان کارشناسان متخصص و نوآور در بخشهای اجرایی و خدماتی جامعه مشغول کار می‌شوند و نیاز دستگاههای دولتی و غیر دولتی را به نیروی انسانی در سطح عالی پاسخگو خواهند بود. اما هدف اصلی این قبیل دانشگاهها لزوماً تربیت و تأمین نیاز دستگاههای مختلف به نیروی انسانی نیست، بلکه نتیجه قهری انجام تحقیقات و آموزشهای علمی در این دانشگاهها می‌تواند در بالاترین سطح، تأمین کننده صاحب نظرترین و کارآمدترین نیروهای متخصص برای بخشهای اجرایی و خدماتی باشد که همواره با در نظر گرفتن شرایط موجود واحدها و بخشهای ذی ربط به وضعیت مطلوب اندیشیده، همواره در ایجاد تغییر و تحول در سازمان و

تلاش آنها برای تربیت و تأمین نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز دستگاههای دولتی و بخش خصوصی خلاصه کرد.

بخشهای مختلف اجرایی و خدماتی دولت نظیر آموزش و پرورش، صنعت، کشاورزی، بهداشت و درمان، بازرگانی، تجارت، بیمه و بانکداری، نهادهای فرهنگی، سیاسی، نظامی و انتظامی، هر کدام همه ساله به شمار قابل ملاحظه‌ای کاردان و کارشناس و نیروی انسانی متخصص در سطوح مختلف نیاز دارند. بنابراین تربیت معلم، مشاور و روان شناس برای دستگاه آموزش و پرورش، پزشک و پیراپزشک برای وزارت بهداشت و درمان، مهندس و کشاورز برای نهادهای صنعتی و کشاورزی و تربیت دیگر نیروهای متخصص و مورد نیاز بخشهای مختلف کشور از وظایف و مسؤولیتهای متداول دانشگاهها و مراکز آموزش عالی است.

پر واضح است که غالب دانشگاهها و مراکز آموزش عالی دولتی و غیر دولتی، در شهرهای کوچک و بزرگ، به صورت حضوری و نیمه حضوری، نیمه وقت و تمام وقت، روزانه یا شبانه می‌توانند در هر دو زمینه مورد اشاره فعالیت داشته باشند و ضمن ارائه رشته‌های تحصیلی و برنامه‌های متنوع دانشگاهی برای دانش افزایی عمومی، در تربیت و تأمین نیروی انسانی کارآمد و کارشناس و متخصص نهادهای دولتی و بخشهای خصوصی نیز نقش اساسی داشته باشند. شاید بتوان به سهولت، با استدلال و ارائه بینه‌های علمی و منطقی ادعا کرد که فعالیت تمامی مراکز دانشگاهی کشور، اعم از دولتی، آزاد، پیام نور و مراکز آموزش عالی غیرانتفاعی، در تهران و شهرستانها در همین دو زمینه دانش افزایی عمومی و تربیت نیروی

سلام بهار ۰۰۰

آزاده افروز

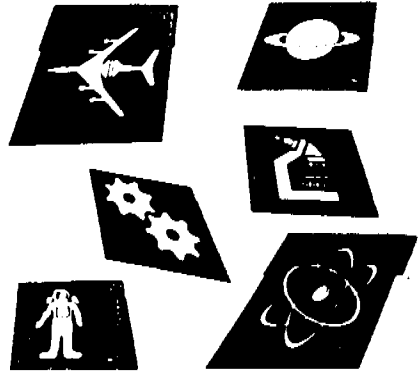
سلام بهار را آن انسان ناشناسی می‌فهمد که با اعتماد به نفسی توأم با تواضع، در امتداد مرثیه‌کویبر مرده ایستاد و عیسی وار به تلألؤ دروغین تمام سرابها و عده جوشش دریا داد و آن قدر سینه تفتنه خاک را کنار زد تا به قلبی بی تپش رسید و با چکاندن قطره‌ای آب مردگان کویر را نوید زندگانی داد! او بهار را با یک قطره شبنم که خون دل اوست به تو تبریک خواهد گفت.

سلام بهار را دستان پینه بسته دهقانی می‌فهمد که نیایش را به گیاه آموخت، قنوت سپیدار را تفسیر کرد و سرانجام دریافت این درختی که سبز می‌شود آیه‌ای از معاد می‌خواند، پس به رکوع سروها اقتدا کرد.

سلام بهار را زخم پای برهنه آن دخترک معصوم می‌فهمد که طلایه‌دار خوشه‌های طلایی گندم بود. سلام بهار را لبخند صادق طفلی می‌فهمد که با نگاه خجل لادنه‌ای سر به زیر وصله‌ای نو به پیراهن سبز خویش می‌دوزد. سلام بهار را طنین نی‌لیک چوپانی می‌فهمد که موسی وار سر بر ردای کوه نهاد و با تلاوت آیه‌های نور عاجزانه گریست...

سلام بهار را همان پیران مزرعه می‌فهمند که وقتی آسمان گریست، پنجره‌ها را نبستند، وقتی تندرهای وحشی سینه آسمان را پاره کرد، پرده‌ها را نکشیدند، وقتی چشمان آسمان از شوق دویدن باد برق زد، بر خود نلرزیدند. آنان به پاس گریه آسمان، هزار مرتبه نماز شکر گزارند.....

فروتنی دریا چه غرور زیبایی دارد. بیا از تردید امواج چیزی بفهمیم. نسترنها آب را می‌شناسند، بیا یک بار هم بیگانگی آب را برای خاها تفسیر کنیم. جوشش چشمه را دیدیم، بیا مرداب را به تپش در آوریم! ستودن جنگل کافی است، بیا قناعت کویر را هم به رودها بگوییم. بیا به درون رویم و خوشه‌های راز را درو کنیم، پروای چه داری؟ ای دوست، ما را فرصتی برای نشستن نیست!!



ارائه برنامه‌های متعالی و خلاق در روند فعالیتهای پیشگام خواهند بود.

امروز بیش از هر زمان دیگر، با توجه به گسترش قابل توجه مراکز آموزش عالی دولتی و غیر دولتی و با اهداف گوناگون در کشور، لازم است نگاهی دوباره به روند توسعه آموزش عالی داشته باشیم و مراکز تحقیقاتی دانشگاهی نمونه و مورد نظر را مشخص کرده، با اعتقاد راسخ و سرمایه‌گذاری واقع بینانه و فراهم ساختن تسهیلات لازم برای استادان و دانشجویان محقق، هوشمند و خلاق، در جهت کسب کفایت‌ها و سرآمدی‌های علمی و تحقیقاتی کشور گام برداریم.

پاورقیها:

- ۱- اطلبوا العلم و لو بالصّین
- ۲- اَمَّا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءَ (قرآن)
- ۳- هشیار باشید تا بیگانگان در عمل به قرآن از شما پیشی نگیرند. (نهج البلاغه)
- ۴- و پیامبر اسلام (ص) نیز فرمودند انی بعثت لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ
- ۵- در اینجا منظور عمدتاً قدرت مادی است. اما قدرت واقعی آمیزه‌ای از قدرت معنوی و مادی می‌باشد.